

خبر

معرفی اعضای هیات داوری مسابقه مقالات رادی شناسی و یک پیام

بخش فرهنگی – در حالی اعضای گروه داوری بخش مسابقه مقالات رادی شناسی انتخاب شدند که بنیاد این هنرمند پیام کوتاهی را منتشر کرد. در احکام جداگانه‌ای از سوی دبیر جشنواره، دکتر شهرام زرگر، دکتر بهرام جلالی پور و ارش رادی به عنوان اعضای گروه داوری بخش مسابقه مقالات رادی شناسی دومین جشنواره تئاتر اکبر رادی انتخاب و معرفی شدند.بخش مسابقه مقالات رادی شناسی جشنواره در صورت رقابتی برگزار می‌شود و در این دوره توجه خود را به موضوعات و عنوانی هم‌چون توجه به ارزش‌های نهاد خانواده در آثار کبیر رادی، مفهوم شهر و شهرنشینی و حقوق شهروندی در آثار استاد کبیر رادی، روایت‌شناسی در آثار استاد اکبر رادی، بررسی آثار استاد کبیر رادی از دیدگاه نقد تکوینی، روایته‌ها و الگوها در درمان‌ورزی آثار استاد اکبر رادی، شیوه‌های کارگردانی نمایشنامه‌های اکبر رادی، گرت‌نبرداری، اقتباس و برداشت آزاد از آثار استاد اکبر رادی و بررسی تطبیقی نمایشنامه‌های استاد اکبر رادی با آثار ادبیات نمایشی جهان معطوف کرده است. بر پایه این گزارش دکتر شهرام زرگر،مدرس دانشگاه و عضو هیات علمی دانشگاه هنر است ودر زمینه‌هایی چون ترجمه، نویسندگی و کارگردانی تئاتر، تدریس، داوری جشنواره و … فعالیت دارد. دکتر بهرام جلالی پور،از اعضای هیأت علمی دانشکده سینماوتئاتر، نمایشنامه نویس، منتقد تئاتر و پژوهشگر است.همچنین آرش رادی،مولف کتاب‌های راهنمای فیلم‌نوار و کمدی کلاسیک، عضو هیئت مدیره بنیاد رادی و داور بخش مقالات در نخستین دوره جشنواره استاد اکبر رادی بوده است. پیام بنیاد اکبر رادی به مناسبت پنجم دی ماه، سال روز درگذشت استاد اکبر رادی دوازده سال از نبودن آقای نمایشنامه نویس می‌گذرد بنیاد اکبر رادی به مناسبت منتشر ساخت. به گزارش امور ارتباطات رسانه ای و روابط عمومی دومین جشنواره تئاتر اکبر رادی متن پیام به این شرح است:

«دوازده سال از نبودن آقای نمایشنامه نویس می‌گذرد؛ نمایشنامه نویسی که هم ادبیات نمایشی و تئاتر ایران را هویت‌مند ساخت و هم زبان پارسی را غنا بخشید. جایش را زمین می‌کنیم و یادش را در این روزگار نشاد گرمای می‌داریم.» بنیاد اکبر رادی»

دومین جشنواره تئاتر اکبر رادی نیز از ۲۵ دی ماه سال جاری به مدت چهار روز با دبیری بهزاد صدیقی و همکاری اداره کل هنرهای نمایشی، شورای اسلامی شهر تهران ، فرهنگسرای سرو و اداره کل هنرهای نمایشی رادیو (رادیو نمایش) در تهران برگزار می‌شود.

.....●●●●●

برگزاری «عصری با رومن پوئر تولاس»

بخش فرهنگی – نشست نقد آثار رومن پوئر تولاس با عنوان «عصری با رومن پوئر تولاس» برگزار می‌شود. به گزارش ایسنا، این نشست با حضور احسان رضایی، سمیه نوروزی و ابوالفضل الله‌دادی در مرکز فرهنگی شهر کتاب (واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم) برگزار می‌شود. در معرفی رومن پوئر تولاس عنوان شده است: پوئر تولاس در ۱۹۷۵ در مون‌پلیه متولد شد. پدر و مادر او هر دو نظامی بودند و همین امر سبب شد که در کشورهای گوناگون اروپا زندگی کند. او همواره بر آرزوی کارآگاه شدن بود و با آن‌که به درجه ستوانی رسید اما هرگز نتوانست آرزویش را محقق کند. به خاطر تجربه‌ای که در ژاندارمری فرانسه به دست آورد افزون بر نویسندگی کارشناس مهاجرت‌های غیرقانونی نیز شد. سفرهای او در جوانی و آشنایی‌اش با بلدیه میجر، اقلیت‌ها و بخش‌ستریگی از مضامین رمان‌های او را دربر می‌گیرد. رمان «همه تابستان بدون فیسبوک» بیش از آن‌که داستانی جنایی باشد ادای دینی است به تاریخ ادبیات جهان و شاهکارهای بزرگی که نویسنده‌های محبوبمان برای ما نوشته‌اند. او در این کتاب رمان‌های بزرگی را که احتمالا همه ما با آن‌ها را خوانده‌ایم از زاویه دیگری به تصویر می‌کشد و البته در این راه از شوخی با نویسندگان بزرگ ابایی ندارد. «سفر شگفت‌انگیز مرتاضی که در جالباسی آیکیا گیر افتاده بود»، «تاپلئون به جنگ داعش می‌رود»، «دخترکی که ابری به بزرگی برج ایفل را بلعیده بود» و «همه تابستان بدون فیسبوک» آثاری از رومن پوئر تولاس، نویسنده فرانسوی است که با ترجمه ابوالفضل الله‌دادی توسط نشر ققنوس منتشر شده است.

.....●●●●●

«کلاس راندگی» در جشنواره فیلم‌های ایرانی «هیوستون»



بخش فرهنگی – فیلم کوتاه «کلاس راندگی» یکی از فیلم‌هایی است که در بیست و هفتمین جشنواره‌ی فیلم‌های ایرانی «هیوستون» آمریکا به نمایش گذاشته می‌شود.

به گزارش ایسنا، این جشنواره که در موزه هنرهای زیبای هیوستون آمریکا از تاریخ ۱۷ تا ۲۶ ژانویه ۲۰۲۰ (۲۷ دی تا ۶ بهمن) برگزار خواهد شد، علاوه بر فیلم کوتاه «کلاس راندگی» به کارگردانی مرضیه ریاحی؛ فیلم‌های «ستری شیش‌ونیم» از سعید روستایی، «سرخپوست» به کارگردانی نیما جاویدی، «روزهای نارنجی» از آرش لاهوتی، «کسی که ماه کامل شد» ساخته نرگس آبیار، «عرق سرد» سهیل بیرقی، مستند «در جستجوی فریده» ساخته مشترک کوروش عطایی و آزاده موسوی، «بیگاه» به نویسندگی و کارگردانی پویا اشتیاردی و «خانه دوست کجاست» ساخته عباس کیارستمی نیز نمایش داده می‌شوند.

«کلاس راندگی» پیش از این جایزه بهترین فیلم کوتاه شانزدهمین جشنواره فیلم «گردآوری طلایی» ارمنستان، جایزه بهترین فیلم کوتاه بخش بین‌الملل ششمین جشنواره فیلم‌های زنان «دولین ایرلند، جایزه بهترین فیلم کوتاه درام سیزدهمین جشنواره فیلم «I WILL TELL» انگلستان، جایزه بهترین بازیگر زن دوازدهمین جشنواره فیلم‌های ایرانی سانفرانسیسکو آمریکا برای لیندا کیانی، جایزه هیات داوران هجدهمین جشنواره فیلم‌های زنان «توپاز» آمریکا، جایزه بهترین فیلم کوتاه بیست و دومین جشنواره «مذهب امروز» ایتالیا و جایزه ویژه هیات داوران سیزدهمین جشنواره فیلم‌های زنان سنول کره جنوبی را به دست آورده است. این فیلم کوتاه از ۲۰ سینتامپر به مدت یک هفته در نمایشگاه SUNSET CINELOUNGE ARENA لس‌آنجلس اکران عمومی شده و از این طریق واجد شرایط رقابت در شاخه بهترین فیلم کوتاه اسکار ۲۰۲۰ شناخته شد.

{فرهنگ و هنر }

رشت چگونه رشت شد

به مناسبت ۱۲ دی ماه روز رشت

ها کشته، زندانی و یا از او جدا شده بودند.میرزا و رضا خان در پاییز سال ۱۳۰۰ خورشیدی مکاتباتی با یکدیگر داشتند که گویای حسن نظر و وجود تفاهم بین آنان بوده و رضاخان حتی اقدامات میرزا و جنگلی های تحت رهبری او را تایید نیز کرده و لیکن از میرزا خواسته بود ادامه اقدامات برای عمران و آبادانی و سواد آموزی و از این قبیل فعالیت ها را به او واگذار نماید و خود نیز با عزت و احترام به رشت برگردد و با او همکاری کند. میرزا نیز این امر را پذیرفته بود. ولی برائز سوء تفاهمی در آخرین روزها ، سازش میرزا کوچک خان با رضاخان سردارسیپه به هم خورد و آنان ناخواسته با هم درگیر شده و میرزا به ناچار، به همراه گاتوک آلمانی به سمت کوههای خلخال حرکت کرد و در آن مسیر پر سوز و سرما ، هر دو جان به جان آفرین تسلیم نمودند.سر میرزا را راضا اسکستائی از پیکر یخ زده و بیجانش جدا کرد و به تهران فرستاداز آن پس، بسیاری از جنگلی های بجا مانده، با حکومت رضاخان نیز همکاری نموده و از آنان در امور حکومتی پهلوی استفاده شد.جنگلی ها در هر پستی که می‌می گرفتند با رعایت صداقت و امانت، منشا خدمات زیادی می شدنداز جمله ابراهیم فخرایی صاحب کتاب سردار جنگل و ریاست فرهنگ جنگل در دوره میرزا کوچک خان، بعدها درس حقوق خوانده و به ریاست دادگستری شهرهای اردبیل و اراک و بروجرد و ملایر و آبادان و گیلان به خدمت پرداخت.



آرامگاه خواجه اقام رشت

ابراهیم فخرایی صاحب کتاب سردار جنگل



آرامگاه خواجه اقام رشت

عمارت بلدیه ۱۳۰۵

تاجگذاری رضا شاه

بلدیه رشت در حکومت رضاخان

رضاخان بعد از سرکوب نهضت جنگل به تقویت نیروهای نظامی در رشت پرداخت و تیپ مستقل شمال را به فرماندهی سرهنگ فضل الله زاهدی و سرلشکر آیرم تشکیل داد.از آبان سال ۱۳۰۰ خورشیدی تا نهم آبان ماه ۱۳۰۴ خورشیدی که رضاخان به سلطنت قاجار به طور رسمی پایان داد، یا فرمانده سپاه کشور بود و یا نخست وزیر. لذا عملا همه امور زیر نظر او انجام می گرفت. با این همه، حاکم نظامی گیلان، میرزا خلیل رفیع، اولین ریاست بلدیه رشت را همچنان تحمل نمود تا در سال ۱۳۰۳ که او بیمار شد و از دنیا رفت. از آن پس حاکم نظامی گماشته رضاخان، بلدیه رشت را به نظامیان سپرد و دومین رئیس بلدیه رشت را در سال ۱۳۰۲ خورشیدی به نام یاور محمود غفاری منصوب نمود. از این تاریخ تا مرداد ماه سال ۱۳۰۰ ، روسای بلدیه رشت (شهرداران) یاور اسماعیل سهراب زاده ، یاور موسی شاهقلی همه نظامی و تحت فرمان فرمانده نظامی تیپ مستقل گیلان بودند. این حاکمان نظامی با دیکتاتوری و بدون ملاحظات معمول و حرف و حدیث و پاسخگویی به مردم، با قدرت نظامی و سرکوب پلیسی، هر گونه مخالفتی را از بین برده و برنامه های بلدیه اعم از عمرانی و خدماتی را با قاطعیت به پیش می بردند.

امور مهم عمرانی حاکمان نظامی بلدیه رشت

ماژور محمود غفاری که کمی بعد به مقام نایب سرهنگی مفتخر شد، نصف روز، ریاست نظمییه (شهرپای) را به عهده داشت و نصف روز، ریاست بلدیه (شهرداری) را. او با روحیه نظامی گری اول به سراغ خواهر امام رفت و سکوها و دیوارهای اطرافش را تخریب و معابر را تعریض نمود تا عبور و مرور در آن منطقه راحت تر شود، سپس خیابان پشت گلدسته و ساغریسازان و خمیران زاهدان را سنگفرش کرد تا جلوی باتلاقی شدن آن را در روزهای بارندگی بگیرد، نظم مالی شهرداری و جلوگیری از رشوه و ایجاد پس انداز درآمدی برای بلدیه نظارت شدید بر خدمات اصناف، تعطیلی جمعه های دکاکین، تعیین جا برای عرضه کالاهای چانچو داران و پیاده روسازی اوایل خیابان بیستون از دیگر اقدامات او بوده تا به شاه بیت اقدامات خود رسید .

رادی، ابرمرد نمایشنامه نویسی ایران

حد و اندازه و توان خودمان از مسیر سینما به جهان معرفی شد، ما اکبر آقا رادی را دانشیم اما او چه کسی را داشت؟! جوانی کم حرف و به ظاهر کم رو اما پر



صلابت و مطمئن به نفس ، پای در مسیری گذاشت که در روزگار خودش باید دستی بر آتش محافل سیاسی به ویژه چپ می داشت، اما آقای رادی با آنان به شب نشینی می نشست اما راه خود را می رفت برای همین بود که در یک اتاق بسیار کوچک در منزلش که فقط برای یک نفر جا داشت روزها و شب ها می نوشت و می نوشت.اتاقی سحر آمیز ، بدون هیچ پنجره ای.

پنجشنبه ۵ دی ۱۳۹۸

(قسمت چهارم)

تخریب زیارتگاه مردم

در مرداد ماه ۱۳۰۳ طی اعلامیه چهارده ماده ای غلاظ و شدادی برنامه تسطیح قبرستان و جمع آوری گنبد و بارگاه اسید ابوجعفر(میدان شهرداری فعلی) را که حرمت و احترام خاصی نزد اهالی رشت داشت و سالیان درازی زیارتگاه بود، را اعلام نمود. این کار او با ناراضیتی و اعتراض شدید مردم مواجه شد.اما ماژور محمود خان با سپردن پست ریاست بلدیه به اسماعیل سهراب زاده در اداره قلعه بیگی (دژیانی) ذره ای به اعتراضات مردم بها نداده و رئیس جدید بلدیه هم با قاطعیت تمام نسبت به تخریب قبرستان و حرم اسید ابو جعفر اقدام نموداو در نظر داشت بجای قبرستان، میدان مرکزی شهررا با زیبایی تمام ایجاد نماید و آن را نمادی از پیشرفت و تمدن جدید دررشت بسازداو با خراب کردن بقعه ای که زیارتگاه بزرگ شهروبد، شروع به ساختن عمارت بلدیه (ساختمان شهرداری) نمود و لعن و نفرین مردم آن زمان رشت را نصب خود کرد. مردم در مقابل زور و قلدری حاکم نظامی چاره ای جز اطاعت نداشتند و دسته دسته برای انتقال بازمانده استخوان های اموات خود به نیش قبر برداخته و آنچه از اموات بجا مانده بود را به قبرستان های مدیریه و آفخرا و چله خانه، منتقل ومجددا دفن می نمودند.محشر کبرایی دران گورستان و زیارتگاه به پا شده بود . حاکمان نظامی مجالی برای طول و تفسیر ماجرا نگذاشته و به سرعت کار تسطیح میدان و تخریب بقعه و ایجاد بنای بلدیه را به پیش می بردند. آنان تا جایی پیش رفتند که بنای مقبره اسید ابوجعفر را نیز تخریب کردند و روی آن باغچه ای درست کردند که اثری از آن زیارتگاه در کار نباشد.

سالیان بسیاری پس از این ماجرا، در دوره شهرداری عبدالله شیرخانی (۱۳۵۵)، آن مقبره در باغچه ای، بازیابی شده و به صورت بسیار محقری با سنگ قبری مشخص بازسازی شد و هم اینک نیز در حیاط پشت ساختمان شهرداری رشت ، دارای سنگ گور مشخصی هست.

عمارت بلدیه رشت

عمارت بلدیه(ساختمان شهرداری) اززوی اسلوب ساختمان های روسیه که طرح و اجرای آن به «آرتم سرداراف» مهندس ارمنی روسی الاصل مقیم رشت نسبت داده شده است ساخته شد .در ادامه توسط همین شخص، ساختمان های هتل ایران و ساختمان سابق دادگستری در چله خانه رشت نیز برپا شد. مهندس

سرداراف در سال ۱۳۰۶ با حقوق ماهیانه ۷۰ تومان به عنوان اولین مهندس در بلدیه رشت استخدام شد تا هفته ای سه روز به امور فنی شهر و شهرداری رسیدگی کند.

عمارت بلدیه با برج ساعت به ارتفاع ۲۴ متر که برای دیده بانی آتش سوزی ها در شهر طراحی و ساخته شده بود به عنوان نماد رشت معرفی شد. این بنای زیبا ، بالاخره در چهارم اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۵ خورشیدی همزمان با تاجگذاری رضاخان پهلوی افتتاح گردید. برای این افتتاحیه جشن باشکوهی با تزئین و چراغانی عمارت جدید البنیای بلدیه برگزار و روسای ادارات و کارمندان عالی رتبه در این جشن حاضر شده و تا نصف شب به میهمانی و شادی گذشت. در کنار این شادمانی ها، لعن و نفرین بخشی از مردم رشت، یکسره پشت سرسازندگان این بنای مجلل بود. چندانکه در سال ۱۳۱۱ احمد خجسته شهردار وقت رشت ، هنگامی که برای بازدید برج عمارت، به بالای آن رفته بود، ناگهان سرش به دوران افتاده و از بالای برج پرت شده و جان به جان آفرین تسلیم نمود، مردم ناراضی، این حادثه را به نفرین امامزاده برای تخریب آرامگاه وی تلقی نمودند و شایعات زیادی در این زمینه ساختند و پراکندند.

ساختمان شهرداری چون بند نافش را به مقرانه جشن برده بودند و دارای سالن های بزرگ پذیرایی نیز بود، اکثر جشن های ملی و دولتی و مراسم استقبال و تودیع در آن برگزار می شد. چند سال بعد در کنار این عمارت، سن بلدیه که بعدها به سینما شرق تغییر نام یافت، برای اجرای مراسم و نمایشات دولتی و غیره ساخته شد و دراوایل، نمایشات تئاتر و سپس فیلم های روسی و بعدها فیلم های خارجی بدون تاق در آن نمایش داده می شد. این سالن نمایش در جریان برف معروف سال ۱۳۲۸ (پیله برف) فرو ریخت و به جای آن، ساختمان مخابرات گیلان در سال ۱۳۳۸ بنا گردید.

با سفارش بلدیه رشت برای زیبایی بیشتر، ساعت بزرگی برای برج شهرداری رشت به قیمت ۱۸۴ لیره از برلین در آلمان خریداری و در سال ۱۳۰۸ در محل بالای برج عمارت بلدیه نصب گردید .

***پژوهشگر اجتماعی**

در چند باری که توفیق داشتم حضوری نمایشمان آنقدر موضوع امری گفتگو و به ویژه اشتیاقی برای شنیدن در من وجود داشت که هرگز نپرسیدم چرا آثار قبل از انقلاب شما واقفگرا و ملموس و بخشی از روزگار خودش است اما بعد از انقلاب به نوعی انتزاع و در پاره ای موارد ابزورد روی آوردید؟

انسان های ایرانی که او خلق کرد امروز هم در جامعه پر رنگ حضور دارند اما با شکل و شمایل جدید.اکبر رادی خودش برخاسته از طبقه متوسطی بود که بعد از کودتای ۱۳۱۳ در مرداد ۳۲ و انقلاب سفید در حال شکل گرفتن بود، اما هرگز نتوانست با فرصت طلبی ها و ریا کاری ها و جاه طلبی های تپیک این طبقه کنار بیاید. عبدالحسین خان دیلمی ، پیله آقا پیر باباری امروز هم هستند.اما نه در داد و ستد چای و ماهی بلکه در تب و تاب خرید ارز و سکه هستند.اگرچه اکبر رادی ، خوشنوی از جنس فیلم فارسی با صحنه هایی از قناره و چاقو ضامن دار و …در آثارش نشان نداد اما به وضوح و درستی نشان داد که ما در جامعه ای خشن زندگی می کنیم و عده ای برای به دست آوردن پول و منافع به هر شقاوتی دست می زنند تا یک سر و گردن خود را از دیگری بالاتر نشان دهند، حتی به قیمت پایین کشیدن همان دیگری.آثار رادی هنوز به خوبی در ایران شناسایی نشده است. امیدوارم که بنیاد رادی بتواند در بازه ای زمانی مناسب این امر برد نمایشنامه نویسی ایران را به خوبی بشناساند.فراموش نکنیم آقای رادی زمانی پای تاتر ایستاد که خیلی از دانشجویان ایشان به تلویزیون رفتند و اتفاقا از آموزه های ایشان شهرت و پول خوبی به دست آوردند.شاید سهم رادی و رادی ها در ایران تاثیری باشد که در تاریخ می گذارند و ماندگار می ماند و هرگز در گناه جمعی فرو پاشی اخلاق، تشریک مساعی نگردند نمی کنند و نخواهند کرد که البته ماندن در این مسیر بسیار سخت است.

*** کارگردان تئاتر و مدرس**